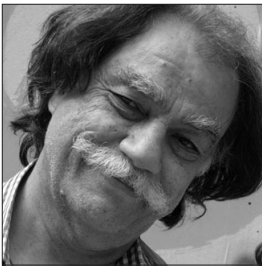


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

پدر گرافیک ایران



مرتضی ممیز چهارم شهریور ماه سال ۱۳۱۵ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۴۴ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، فارغ‌التحصیل شد و سه سال بعد گواهینامه طراحی غرغه و ویتربین و معماری خود را از مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس دریافت کرد. در سال ۱۳۴۸ پیشنهاد ایجاد رشته گرافیک را به دانشکده هنرهای زیبا ارائه داد. بنیان‌گذاری این رشته برای دانش‌جویان هنر باعث شد سیستم ناقص گرافیک

جان بگیرد و تلاشی را آغاز کند. تا این سال ممیز به‌غیر از طراحی گرافیک برای کتاب‌ها و

پوسترها، تلاشی را تحت عنوان مدیر هنری در مجلاتی چون ایران آباد، کتاب هفته، کیهان هفته، فرهنگ، کاوش، نگین آغاز نمود. مجلاتی که نحوه و سبک کاری ممیز را در جامعه تثبیت و معرفی کردند.

آثار ممیز در این دوره در کتاب هفته نام او را به عنوان گرافستی کم‌نظیر بر سر زبان‌ها انداخت. ادامه کار ممیز در نشریات فرهنگ و نگین، راه را برای ورود گرافیست‌های جوان و نوجوی دهه ۴۰ باز کرد. آثار وی جلد ممیز برای نشریه کتاب هفته نمونه‌هایی از چاپ موفق و خلاقانه‌ای است که ارزش‌های گرافیکی بسیاری دارد. وی در همان سال‌ها یکی از مهم‌ترین آثار مدرن تاریخ معاصر را با طراحی چاقوهای واژگون شکل داد. اثر چاقوهای او اجتماعی‌ترین اثری است که از دهه ۴۰ به بعد پدید آمده‌است.

وی آذرماه سال ۱۳۸۳ به‌عنوان استاد برجسته فرهنگستان هنر، در مراسمی، از سوی سیدمحمد خاتمی تجلیل شد. او سرانجام در سن ۶۹ سالگی روز پنجم آذر ۱۳۸۴ درگذشت.

خودزنی / محیط‌زیست

پایکوبی فلز و دود بر ویرانه‌های جنگل

آخرین تصاویر از تخریب جنگل‌های گیلان در پروژه ساخت سد شفارود نشان‌دهنده‌ی تلاش پرشتاب برای به‌جا گذاشتن حجم عظیمی از ویرانی است. جنگل سیمانی لقیبی است که به شهرهای بزرگ می‌دهند، اما اگر شنیده شود که در گوشه‌ای از ایران جنگلی چندمیلیون‌ساله را زیر سیمان دفن می‌کنند، چه نامی می‌توان بر آن گذاشت و چه عبارتی را می‌توان به آن نسبت داد؟

ساخت سد شفارود، پروژه‌ای که سال‌ها بر زمین مانده بود، در یکی از ذخیره‌گاه‌های جنگلی ایران در نزدیکی شهر پونل و در جاده پونل به خلخال در دست اجراست. اهمیت منطقه‌ای جنگلی که سد در آن در دست ساخت است، تا حدی است که صحبت از ثبت جهانی این میراث تاریخی و طبیعی است اما حفظ جنگل هیرکانی چندان اهمیتی برای سدسازان ندارد. این جنگل زیستگاه خرس قهوه‌ای و جنگلی باستانی است. غول پروژه سد شفارود تا کنون باعث تخریب دو کوه جنگلی و وسعت بزرگی از بستر رودخانه شفارود شده‌است. برداشت شن حاصل از آبرفت رودخانه کهنسال شفارود تا کنون باعث مرگ هزاران درخت و فروش آن شده. درخت هم که نباشد سیلاب خواهد آمد. پس حالا کوه جنگلی پاک‌تراشی شده را از بالای کوه سیمان کشی می‌کنند. حالا صحبت از توافق خرید و فروش سیمان هم هست و در این میان تنها توافقی که نادیده گرفته می‌شود قانون طبیعت و قانون اساسی است.

قانونی می‌گوید هر پروژه‌ای پیش از اجرا، در زمان اجرا و حتی پس از پایان کار باید ارزیابی زیست‌محیطی داشته باشد که برای صدور مجوز این بررسی باید به تأیید سازمان حفاظت محیط‌زیست برسد. اما مجریان در بسیاری از پروژه‌ها برای سازمان محیط‌زیست هم خرند نمی‌کنند.

احمدعلی کیخا، معاون پیشین تنوع زیستی سازمان محیط‌زیست، که چندی پیش استعفا داده و

ساخت دوباره سد در دوران معاونت او کلید خورده، به این سؤال، که در دفتر شما خبری از صدور

مجوز برای سد شفارود بود یا خیر، جواب منفی می‌دهد. می‌گوید: «من چیزی در بایگانی‌های دفتر

معاونت هم ندیدم.» این یعنی کار دارد غیرقانونی انجام می‌شود.

عرصه طبیعی که ساخت سد در آن در حال انجام است، هم مالکیت خصوصی دارد و هم مالکیت ملی و عمومی. مالکیت عمومی این عرصه مانند دیگر عرصه‌های ملی ایران در اختیار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است. از بهزاد انگورج تقوی، معاون جنگل‌های این سازمان، می‌پرسم که آیا ساخت سد شفارود در منطقه شما قانونی است. او می‌گوید: «این‌ها یک مجوز استانی دارند و بر اساس آن کار را پیش برده‌اند.» این در حالی است که چنین پروژه‌ای را با مجوز استانی نمی‌توان انجام داد. مردم بومی منطقه می‌گویند در میان اخبار مربوط به این سد سردرگم مانده‌اند.

آنها می‌گویند: «سازمان جنگل‌ها نباید به ساخت این سد بی‌توجه باشد.» کارشناسان محیط‌زیست می‌گویند سازمان‌های مسئول در واقع باید با اجرای طرح‌های مشارکتی از پتانسیل مردم محلی در عرصه‌های طبیعی برای حفظ این مناطق استفاده کنند اما بدبینی به این سازمان‌ها مردم بومی را هم به محیط‌زیست بی‌تفاوت می‌کند. علاوه بر این، روحیه این مردم را، که سال‌هاست در برابر وسوسه فروش زمین‌هایشان به سدسازان مقاومت کرده‌اند، تغییر خواهد داد.

زمانی شیون فومنی، شاعر فقید گیلانی، سروده بود: … دور از دست / کوهی که دورتر از / غرور گیاهی اش / ایستاده / به اکنون / پهلوانی است مرده… امروز رودهای سنگین کوه‌های گیلان را فتح می‌کنند و بر ویرانه‌های جنگل سرود فلز و دود می‌خوانند.



فارسی را پاس بداریم

مجنون و لیلی در میدان نبرد

بی‌سواد! بی‌سواد! بی‌سواد! یعنی دلم می‌خواهد گوش‌ی تلفن را بردارم، شماره‌اش را بگیرم و بی‌سلام و علیک هفتاد بار با صدای بلند داد بزنم و بگویم: بی‌سواد! البته مجبورم کظم غیظ کنم و جلو خودم را بگیرم و به هم‌کارم بد و بیراهه نگویم چرا که شاعر فرموده است: «دنیا نیززد آنکه پیشان کنی دلی».

نمی‌دانم چه کنم و با چه زبانی حرف بزنم که به کسی برنخورد اما حقیقت حال ما این است که بی‌سوادیم. قبول کنید. قبول کنید و چانه نزنید. در میان اصحاب رسانه آدم فاضل و دانشمند و ادیب بسیار آنکد است. البته ما در مملکت‌مان آدم دانشمند و فاضل و ادیب کم نداریم، اما نسل جوان روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به قدری آبروی رسانه‌ها را ریخته‌اند که فضا را ادبا حاضر نیستند به این عرصه ورود کنند و کار رسانه‌ای را دودن‌شان خود می‌دانند. حق هم دارند. وقتی در خبرگزاری مهر! که یکی از بهترین خبرگزاری‌های ماست در سرویس فرهنگ!! ذیل عنوان «تازه‌های نشر»!!! در معرفی یک کتاب ارزشمند می‌نویسیم: «اسطوره همواره امری افسانه‌گون بوده

فرهنگ جنگ‌های تن به تن در اروپا

«شوالیه» روانه کتابفروشی‌ها شد

کتاب «شوالیه» (راهنمای جنگجوی قرون وسطی) نوشته مایکل پرستویچ با ترجمه حسین بحری راهی بازار نشر شد. این کتاب اولین عنوان از مجموعه «جنگاوران» است که نشر ققنوس منتشر خواهد کرد.

شوالیه‌ها، برترین جنگجوهای قرون وسطی در اروپا بودند. آنها با زره و سلاح کامل، سوار بر اسب ظاهر می‌شدند. کتاب پیش رو، تمام اطلاعات مهم و ضروری را که شوالیه‌های سرفراز قرون وسطی داشتند، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. نسخه اصلی این کتاب در سال ۲۰۱۰ به چاپ رسیده است.

کتاب «شوالیه» صرفاً کتابی درباره جنگجویان قرون وسطی نیست، بلکه دریچه‌ای به سوی شناخت نظامی اجتماعی و فرهنگی اروپا در دوران مذکور است. این کتاب با بررسی منصب شوالیه‌گری در اروپای اواخر قرون وسطی، شرایط زندگی و جایگاه اجتماعی افرادی را نشان می‌دهد که به نحو موثری در تحولات سیاسی، نظامی و اجتماعی آن روزگار نقش آفرینی می‌کردند. نویسنده این کتاب، از اساتید تاریخ جنگ در قرون وسطی است. مترجم نیز در بازگردانی متن کتاب تلاش کرده تا سبک بیان نویسنده تا حدی که به دریافت و فهم مطلب آسیب نزنند، حفظ شود. زیرا در متن اصلی، نویسنده به گونه‌ای با مخاطب خود صحبت کرده که گویی قصد آموزش وی را برای شوالیه شدن در قرن پانزدهم میلادی دارد.

عناوین مختلف این کتاب به ترتیب عبارت‌اند از: عالم شوالیه‌گری، باوروی و تربیت، شوالیه شدن، اسلحه زره و اسب، فرقه‌های شوالیه‌گری، بازگیری و همراهان، مسابقات پهلوانی و جنگ با نیزه بر پشت اسب، عملیات جنگی، جنگ صلیبی، سربازان اجیر، بانوان و دوشیزگان، محاصره، میدان نبرد، باج و غنیمت، دینداری و یادداری، نقشه اروپا در قرون وسطی، واژه

گردش روزگار برعکس است



تمام روز تمام روز/ رها شده، رها شده، چون لاشه‌ای بر آب / به سوی سهمناک‌ترین صخره پیش می‌رفتم… (فروغ فرخزاد)
طرح: سعید صادقی

با کاروان حله / اخبار هنر

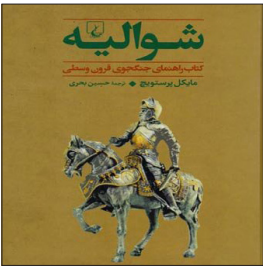
رضا صادقی به آخر خط رسید



فیلم ویدئویی «آخر خط» به نویسندگی و کارگردانی رحیم بهبودی‌فر و تهیه‌کنندگی مشترک سحر صباغ سرشت و علی انصاریان به زودی آماده‌بخش خواهد شد. خبر جدید درباره این پروژه تیتراژخوانی رضا صادقی خواننده پرطرفدار پاپ برای این فیلم است. صادقی که خود ترانه کار جدیدش را سروده دوستی دیرینه‌ای با علی انصاریان دارد. او برای اولین بار تیتراژ پایانی یکی از آثار نمایش خانگی را می‌خواند و پیش از این چنین تجربه‌ای نداشته. علی انصاریان پیش از این درباره این رخداد گفته بود: با توجه به مضمون متفاوت آخر خط دوست داشتم صدای دوست خوبم رضا صادقی نیز در تیتراژ پایانی آن قرار بگیرد تا اثری به‌یادماندنی برای مخاطبان باشد. رضا صادقی نیز بعد از شنیدن صحبت‌هایم بلافاصله به پیشنهادم جواب مثبت داد و اعلام کرد بسیار خوشحالم بتوانم بهترین کارهایم را برای دوستانم بخوانم. او اضافه کرد: رضا صادقی در حال حاضر مشغول آماده‌سازی این ترانه است و به زودی ساخت آن را آغاز خواهد کرد. رضا صادقی همچنین این روزها با پستی که روی صفحه اینستاگرام خود قرار داده بسیاری در صفحات اجتماعی جنگال به پا کرده است. او با قرار دادن عکسی با مضمون «توهین نکنیم» گفته است: ظرفیت تحمل نظرات مخالف و نقد محترمانه و مستدل در بخش‌هایی از جامعه‌پایین آمده و برخی از طرفداران عزیز در حمایت از فرد، افرادی با جریان‌های محبوبشان به صورت فراگیر اقدام به رفتارها یا بیان حرف‌های خارج از چارچوب ادب و احترام در فضاهای مجازی و گاه حقیقی می‌نمایند.



ما غریبیم و شهر از آن شماست
با چنین رو جهان جهان شماست
با چنین چشم مست عاشق کش
هرکه میرد ز گشتگان شماست
(سبک فرغانی، قرن هفتم، غزلیات)



شوالیه (راهنمای جنگجوی قرون وسطی)
مولف: مایکل پرستویچ
مترجم: حسین بحری
انتشارات: ققنوس
شمارگان: هزار و ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰ هزار تومان
صفحه ۲۸۸

شوالیه (راهنمای جنگجوی قرون وسطی)
مولف: مایکل پرستویچ
مترجم: حسین بحری
انتشارات: ققنوس
شمارگان: هزار و ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰ هزار تومان
صفحه ۲۸۸

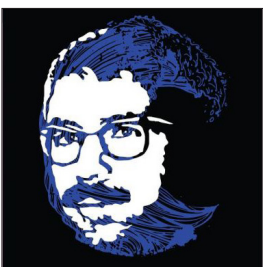
شوالیه (راهنمای جنگجوی قرون وسطی)
مولف: مایکل پرستویچ
مترجم: حسین بحری
انتشارات: ققنوس
شمارگان: هزار و ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰ هزار تومان
صفحه ۲۸۸

خودزنی / محیط‌زیست



تمام روز تمام روز/ رها شده، رها شده، چون لاشه‌ای بر آب / به سوی سهمناک‌ترین صخره پیش می‌رفتم… (فروغ فرخزاد)
طرح: سعید صادقی

به دریا پیوستن صمد در گالری دنا



آرش تنهایی هنرمند و گردآورنده نمایشگاه گروهی «چندروایت از یک انسان که با امواج ارس به دریا پیوست» درباره این نمایشگاه که به صمد پهرنگی نویسنده نام‌آشنای ایرانی اختصاص دارد به خبرنگار تجسمی هنرآنلاین گفت: در این نمایشگاه ۱۰ اثر تجسمی به همراه ۴۸ طرح جلد، پوستر، عکس و تصویری مستند از صمد پهرنگی به نمایش گذاشته می‌شود. او درباره اهمیت صمدپهرنگی نیز اظهار کرد:

اکنون ۵۰ سال از مرگ صمدپهرنگی می‌گذرد و با این وجود در همه سال‌های گذشته شخصیتی زنده وقابل بحث بوده‌است. او هنوز در جامعه حضور دارد و می‌تواند تأثیرگذار باشد. به علاوه بسیاری از نسل کتاب‌خوان ما با کتاب‌های صمد پهرنگی بزرگ شده‌اند و همین نکات دلیل جذابیت این شخصیت برای من شده است. همچنین صمد تأثیر ادبی بزرگی نیز بر ادبیات کودک ما داشته که متأسفانه قربانی سیاست‌زدگی شده‌است. بسیاری خواسته‌اند صمد را به نفع خود مصادره کنند و به همین دلیل یک معلم دلسوز و نویسنده توانا مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است. در این نمایشگاه آثاری از فرهاد آل خمیس، صالح نسیمی، مرتضی خسروی، زرتشت رحیمی، یحیی رویدل، شوائبر، کیانوش غریبپور، اسماعیل قنبری و گلرخ نقیسی به‌نمایش گذاشته‌می‌شود. همچنین در بخش دیگری از این نمایشگاه مجموعه‌ای از طرح جلد کتاب‌های صمد، پوسترهایی در باره او و همچنین عکس‌ها و نامه‌های او نیز به نمایش گذاشته می‌شود. نمایشگاه «چندروایت از یک انسان که با امواج ارس به دریا پیوست» از ۲۳ تا ۲۶ شهریور در گالری دنا برگزار می‌شود.

در دادن جان شفیعم او را

گر مستم خواند یار مستم

ویر شیفته گفت نیز هستم

ور نه چنان شده‌مست کرم

کایادی خویش چشم دارم…؟؟

ترکیب «نبردهای سلحشوری» هم از آن ترکیب‌های عجیبی است که نمی‌دانم همکار محترم بنده آن را در طبله کدام عطاری یافته است؟ اگر سلحشوری، بدل از «عاشقانه» در جمله قبل است، قاعدتاً باید گفته می‌شد سلحشورانه نه سلحشوری. سخن کوتاه کنم که چوب خط ستونم کم کم دارد پر می‌شود. دو جمله فوق‌الذکر را بهتر بود نویسنده محترم این طور می‌نوشت: «آنچه نظامی در منظومه‌های عاشقانه‌اش، و فردوسی در داستان‌های حماسی اش روایت کرده، در ذهن و ضمیر ما با اسطوره و افسانه پهلوی می‌زند…»